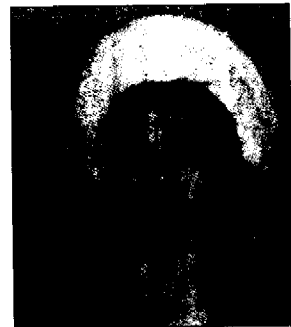


درگذشتگان

آیة الله رفیعی



آیة الله حاج شیخ محمدباقر رفیعی کهرودی، امام جمعه شهرری و یکی از فضلالی حوزه علمیه قم بود.

فقید بزرگوار در ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۳۵ ق (۱۲۹۵ ش) در کهرود اراک به دنیا آمد و پدرش مرحوم حاج علی اکبر کهرودی از بزرگان و خیرین منطقه بود. وی پس از کودکی، در مدرسه حاج محمد ابراهیم اراک ادبیات و سطوح عالیہ را نزد اساتیدی چون حضرات آیات: شیخ محمد سلطان العلماء

(رسائل و مکاسب)، آقا سید محسن غروی اراکی (کفایه)، آقا سید کاظم گلپایگانی (شرح منظومه) فرا گرفت. سپس در سال ۱۳۵۵ ق به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و اندکی (۹ ماه) در درس آیة الله العظمی حایری و پس از درگذشت استاد، به درس های فقه و اصول آیة الله سید محمد حجت کوهکمری و درس اسفار حضرت امام خمینی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. با ورود آیة الله العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۶۴ ق (۱۳۲۴ ش) به درس های معظم له حاضر شد و بهره های فراوان برد. سپس به تبلیغ دین و ترویج مذهب پرداخت و در این راستا زمانی چند به دستور مرحوم آیة الله العظمی گلپایگانی در شهرهای آشتیان، ماهشهر، مسجد سلیمان و شهرری سکونت گزید و زندگی خود را

به اقامه جماعت و تفسیر قرآن و بیان احکام شرع و مبارزه با مفسد رژیم پهلوی سپری ساخت و در این راه متحمل اذیت های گوناگون شد تا آنجا که ساواک وی را از شهر مسجد سلیمان اخراج کرد و به قم فرستاد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به حکم حضرت امام به سمت امامت جمعه و مدیریت حوزه علمیه شهرری برگزیده شد و تا زمانی که از نعمت سلامتی و توانایی برخوردار بود، به گره گشایی از کار مردم و تدریس و تربیت شاگردان (در مدرسه برهانیه) اقامه جمعه و جماعت (در مسجد جامع حرم حضرت عبدالعظیم) می پرداخت.

از آثار وی: تقریرات درس فقه و اصول مرحوم آیة الله حجت را می توان نام برد.

وی، در روز سه شنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۰ ش

- ۱۷ . حساب دبستان (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۸ . حل المسائل جبر (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۹ . متمم حساب (با همکاری استاد صفاری).
- ۲۰ . مثلثات (با همکاری استاد صفاری).
- ۲۱ . مخروطات (با همکاری استاد صفاری).
- ۲۲ . آشتی با ریاضیات.
- ۲۳ . تحقیق استخراج الاوتار، نوشته ابوریحان بیرونی.
- ۲۴ . تحقیق تذکرة الاحیاب فی بیان التحاسب، نوشته کمال الدین فارسی.
- ۲۵ . حساب و جبر.
- ۲۶ . حل المسائل حساب استدلالی.
- ۲۷ . حل المسائل مکانیک.
- ۲۸ . خلاصه هندسه به زبان ساده.
- ۲۹ . خودآموز جبر.
- ۳۰ . رسم فنی.
- ۳۱ . صد مسأله جبر.
- ۳۲ . متمم هندسه مسطحه.
- ۳۳ . مثلث ها، ترجمه کتاب هنری نیلی.
- ۳۴ . مقدمات ریاضی.
- ۳۵ . هندسه ترسیم و رقمی، ترجمه کتاب ا. چاکه.
- ۳ . ریاضی دانان ایرانی از خوارزمی تا ابن سینا.
- ۴ . زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی (قرن ۳ تا ۱۱ ق).
- ۵ . فارسی نامه: شرح حال و آثار و افکار کمال الدین فارسی.
- ۶ . کاشانی نامه: شرح حال و آثار و افکار غیاث الدین جمشید کاشانی.
- ۷ . نسوی نامه. شرح حال و آثار علی بن احمد نسوی.
- ۸ . هندسه فضایی (با همکاری استاد حسن صفاری).
- ۹ . نه مقاله هندسه (با همکاری آقای صفاری).
- ۱۰ . هندسه دوره دبیرستان (با همکاری آقای صفاری).
- ۱۱ . روش حل مسائل هندسه (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۲ . حل المسائل هندسه (با همکاری آقای صفاری).
- ۱۳ . جبر- دوره دبیرستان- (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۴ . جداول لگاریتم پنج اعشاری (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۵ . جدول های لگاریتم دپوئی.
- ۱۶ . حساب استدلالی (با همکاری استاد صفاری).
- ۱۸ (رمضان ۱۴۲۲ ق) در ۸۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و نماز حجة الاسلام در نجف آبادی بر آن، در حرم مظهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده شد.
- *
- استاد قربانی**
- استاد دانشمند مرحوم آقای ابوالقاسم قربانی، یکی از عالمان و مورخان و صاحب نظران علم ریاضی به شمار می رفت. فقید سعید در سال ۱۳۳۰ ق (۱۲۹۰ ش) زاده شد و تحصیلات کلاسیک خود را در دبیرستان سن لوئی تهران نزد پرفسور محسن هشترودی و هم در مدرسه عالی ریاضیات نزد دکتر غلامحسین مصاحب فراگرفت و در علم هندسه و جبر و مثلثات و ریاضیات به مقامی عالی دست یافت و بیش تر کتاب های ریاضیات دوره دبیرستان را با همکاری استاد حسن صفاری تألیف نمود. وی در روز یکشنبه ۴ آذرماه ۱۳۸۰ ش (۹ رمضان ۱۴۲۲ ق) در ۹۰ سالگی درگذشت.
- آثار وی عبارتند از:
- ۱ . بیرونی نامه: شرح احوال و آثار و افکار ابوریحان بیرونی. کتاب سال ۱۳۷۵ ش.
- ۲ . دو ریاضی دان ایرانی: شرح

آیة الله مدرّسی یزدی



حضرت آیة الله آقای حاج سید محمد علی مدرّسی طباطبایی یزدی، یکی از علما و فقههای حوزه علمیه قم به شمار می رفت.

فقید سعید در شب جمعه اول جمادی الاول ۱۳۵۸ ق (۱۳۱۸ ش) در نجف اشرف، در بیت علم و تقوا و فضیلت زاده شد. پدر بزرگوارش مرحوم آیة الله حاج سید یحیی یزدی (۱۳۲۲-۱۳۸۳ ق) از شاگردان آیات عظام: حایری یزدی، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی و نویسنده کتابهایی همچون: آیات الاحکام، قاعده لاضرر، منجزات مریض و توضیح المسائل بود و از اساتید معروف حوزه علمیه نجف به شمار می رفت.

آن مرحوم، در دامان پدر بزرگوارش بالید و پس از کودکی، به مکتبخانه رفت و در مدت چهار سال قرآن و گلستان و نصاب و دیگر کتابها را فراگرفت. در یازده سالگی به تحصیل علوم دینی

پرداخت و در خدمت والد معظم خویش و دامادشان مرحوم آقای حاج سید محمدباقر مدرّسی ادبیات را آموخت. سپس سطوح متوسط و عالی را در محضر حضرات آقایان: شیخ علی اصغر اراکی، سید مرتضی خلخالی، شیخ غلامرضا باقری نجف آبادی (خيارات مکاسب) و پدر عالی قدرش (کفایة الاصول) فراگرفت و پس از آن به درس خارج آیات عظام: سید محمود شاهرودی (اصول) و سید یحیی مدرّسی یزدی (فقه و اصول) و پس از درگذشت پدرش در ۱۶ صفر ۱۳۸۳ ق، به درس حضرات آیات: میرزا حسن بجنوردی (اصول)، میرزا باقر زنجانی و سید محسن حکیم (فقه) حاضر شد و بهره های فراوان برد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و همزمان به تدریس سطوح عالیّه و خارج فقه پرداخت. در سال ۱۴۰۱ ق (۱۳۶۱ ش) از نجف اشرف، به حوزه علمیه قم آمد و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت.

فقید سعید، خلقی خوش و دستی گشاده داشت و تواضع و فروتنی در رفتارش نمایان بود. وی در دوران جنگ تحمیلی، بارها به جبهه های حق و یاری رزمندگان اسلام شتافت.

آثار چاپ شده معظم له عبارتند از:

۱. توضیح المسائل
۲. مناسک حج (مفصل و مختصر)

۳. حاشیه بر عروة الوثقی
۴. المضاربة فی الاسلام
۵. الشركة فی الاسلام
- و آثار مخطوط او هم عبارت است از:
۶. الزکاة فی الاسلام
۷. المساقات فی الاسلام
۸. المزارعة فی الاسلام
۹. الضمان فی الاسلام
۱۰. الاجارة فی الاسلام

سرانجام آن عالم بزرگوار در اثر سکتة مغزی، در ۶۲ سالگی، در روز سه شنبه ۲۰ شعبان المعظم ۱۴۲۲ ق (۱۵ آبان ۱۳۸۰ ش) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش روز پنجشنبه پس از تشییع و نماز برادرش آیة الله سید عباس مدرّسی بر آن، در مسجد طباطبایی حرم حضرت معصومه - سلام الله علیها - به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری

دکتر محمدآبادی باویل

روز سه شنبه ۱۳ آذرماه، استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمدآبادی باویل پس از تحمل یک دوره بیماری جانکاه از عذاب هستی رست. و فردای همان روز که مصادف با روز ضربت خوردن پیشوای آزادگان جهان بود در وادی رحمت تبریز - بخش اندیشمندان و دانشوران - آرمید.

استاد به سال ۱۳۰۷ خورشیدی در

روستای باویل شهرستان اسکو دیده به جهان گشود و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش گذراند و پس از اتمام دوره ابتدایی، معلم دانش آموزان زادگاه خویش شد.

همزمان با تدریس در مدارس آن دیار، تلاش و کوشش پیوسته استاد در دانش اندوزی در حوزه و دانشگاه از او دانشمندی بی بدیل و فرهیخته ای فرزانه ساخت تا پس از ۲۰ سال تدریس در مدارس اسکو و شبستر و تبریز با پیشنهاد و صوابدید استاد منوچهر مرتضوی به دانشگاه تبریز منتقل شد و تا سال ۱۳۵۸ - سال بازنشستگی - تعلیم و تربیت تشنگان علم و معرفت را به عهده داشت. بعد از انقلاب اسلامی استاد تا سال ۶۶ در دانشگاه آزاد تبریز و سال ۷۸ تا ۷۸ در دانشگاه آزاد تهران و کرج و دانشگاه علامه طباطبایی به تعلیم و تدریس مشغول بود تا اینکه در پی عارضه بیماری سرطان به دیار باقی شتافت، و جامعه فرهنگی ایران و تبریز را از فیض و برکت وجود خود محروم ساخت.

از استاد سه کتاب ارزشمند و ماندگار به یادگار مانده است:

۱. ظرائف و طرائف که حدود پنج سال از عمر با برکت استاد، به تدوین آن صرف شد و از طرف انجمن استادان زبان

و ادبیات فارسی با مقدمه استاد دکتر مهدی محقق به چاپ رسید.

۲. دیوان مجیدالدین بیلقانی (تصحیح و تحشیه) که رساله دکتری ایشان در دانشگاه تهران بود و با صوابدید حضرت استاد مرتضوی در سلسله انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران (دانشگاه تبریز) به چاپ رسید.

۳. آیین ها در شاهنامه که در سال ۱۳۵۰ از طرف دانشگاه تبریز چاپ شد.

از وی مقالاتی در مجلات علمی - فرهنگی به چاپ رسیده است.

آثار چاپ نشده استاد - تا آن جا که بنده اطلاع دارد - مجموعه اشعار ایشان است و حواشی و یادداشت هایی که در هامش کتاب هایشان هست.

صرف نظر از علم و دانش وی که در کمتر کسی آن را دیده ام خاکساری و فروتنی، نیک نهادی، نیک اندیشی، نجابت، مهربانی، وفاداری به پیمان دوستی ها، خیرخواهی و دست گیری از شاگردانش، نیک محضری و حسن معاشرت از ویژگی هایی است که در دوران نزدیک به سی سال دوستی و همدمی از او به یاد دارم و امیدوارم پروردگار مهربان به پاس این خصال نیک و به خاطر شهید سعید این ماه او را در جوار رحمت خویش جای دهد و

خانواده محترم و دوستانش را در فقدان او صبر و شکیبایی عنایت فرماید.

خداوندا به درگاه عطا بخش تو «آبادی» به امید نیاز آمد، به نومیدی مگر دانش آخرین غزل استاد به یادگار در این جا درج می شود:

ما مرگ را به نوبت فردا نشسته ایم
بار سفر به دوش مهیا نشسته ایم
یاران همه یکایک از این خانه رفته اند
دردا که ما به ماتم آنها نشسته ایم
ما را زمان به گوشه عزلت نشانده است
چون راهبی به صومعه تنها نشسته ایم
از بیم ته کشیدن دریا سرشک ریز
چون غمخورک به ساحل دریا نشسته ایم
پرسند اگر به گوشه صحرا چه می کنی
گویم برای دیدن لیلی نشسته ایم
عمری است در رهش به تمنای یک نگاه
گمنام و بی نشان به تماشا نشسته ایم
سودای خام بین چو عجوزی به ده کلاف
خواهان یوسفیم و به سودا نشسته ایم
از بیم حادثات شب تیره چون قطا
بیرون ز آشیانه به صحرا نشسته ایم
در جستجوی گوهر گم گشته شباب
با قامتی خمیده بدین جا نشسته ایم
نوبت نشین مرگ نه تنها تویی که ما
«آبادیا» به نوبت فردا نشسته ایم

دکتر اسماعیل تاج بخش

*

